

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذي سمي في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم و نفسى بتقوى الله و اتباع امره و نهى.

خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

پيامبر اسلام در ادامه موعظه خود به ابوذر مى فرمايد : « يَا ابا ذر! لَا يُسْبِقُ بَطِيءٌ بِحِظِّهِ، وَ لَا يُدْرِكُ حَرِيصٌ مَا لَمْ يَقْدِرْ لَهُ، وَ مَنْ أُعْطِيَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ أَعْطَاهُ، وَ مَنْ وُقِيَ شَرًّا فَإِنَّ اللَّهَ وَقَاهُ »

حضرت در اين قسمت از موعظه خویش به چهار نکته اشاره مى کند که در زیر به اجمال ، آنها را توضیح مى دهيم:

۱. « يَا ابا ذر! لَا يُسْبِقُ بَطِيءٌ بِحِظِّهِ »

ای ابوذر کسی که در طلب روزی سستی ورزد ، دیگری بهره او را نمى برد.

برای تبیین این نکته یک مقدمه لازم است و آن مقدمه این است که سهم هرکس در این دنیا مشخص است . برخی از روزیها مشروط به تلاش است و برخی دیگر بدون تلاش هم به دست انسان خواهد رسید . حضرت امیر در این خصوص مى فرماید : « لَيْسَ لِأَدَمَ، الرَّزْقُ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ . فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَنَتِكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ ! كَفَاكَ كُلَّ يَوْمٍ عَلَى مَا فِيهِ؛ فَإِنْ تَكُنَ السَّنَةُ مِنْ عُمُرِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُؤْتِيكَ فِي كُلِّ عَدٍّ جَدِيدٍ مَا قَسَمَ لَكَ؛ وَ إِنْ لَمْ تَكُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمُرِكَ فَمَا تَصْنَعُ بِالْهَمِّ فِيمَا لَيْسَ لَكَ؛ وَ لَنْ يَسْئَلُكَ إِلَى رِزْقِكَ طَالِبٌ وَ لَنْ يَغْلِبَكَ عَلَيْهِ غَالِبٌ، وَ لَنْ يُبْطِئَ عَنْكَ مَا قَدَّ قُدِّرَ لَكَ. »^۱

ای فرزند آدم! روزی دو گونه است یکی آن روزی که تو به دنبالش مى روى و دیگری آن روزی که به دنبال تو مى آید و اگر به دنبالش نروى باز هم به سراغ تو خواهد آمد بنابراین غم و اندوه تمام سال را بر هم و غم امروزت اضافه مکن . غم هر روز برای آن روز کافی است. اگر در تمام سال زنده بمانى و جزء عمر تو باشد خداوند هر روز آنچه از روزی برای تو معین کرده است به تو مى دهد و اگر تمام آن سال جزء عمر تو نباشد چرا غم و اندوه چیزی را بخورى که مربوط به تو نیست؟ (بدان) هیچ کس پیش از تو نمى تواند روزی تو را دریافت کند هیچ روزی که برایت مقدر شده است از تو دریغ نخواهد شد .

یا در جای دیگر فرمودند : « يَا بَنِي آدَمَ، الرَّزْقُ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ ». پيامبر اسلام (ص) فرمودند: « إِنْ الرَّزْقُ لِيَطْلُبَ الْعَبْدَ أَكْثَرَ مِمَّا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ. » يعنى رزق انسان در جستجوى اوست، بيش از آن که اجلش به دنبال اوست. و فرمودند : « وَ أَنْ عَبْدًا هَرَبَ مِنْ رِزْقِهِ لَاتَبَعَهُ رِزْقُهُ حَتَّى يُدْرِكَهُ كَمَا أَنَّ الْمَوْتَ يُدْرِكُهُ. » يعنى حتى اگر بنده خدا از رزقش فرار هم بکند، رزقش او را دنبال مى کند تا به او برسد، همان طور که مرگ، انسان را دنبال مى کند تا به او برسد.

قبل از اسلام عده ای از ترس فقر حتى کودکان خود را مى کشتند که خدای متعال خطاب به آنها فرمودند : « وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْهُمْ كَانَتْ خَطَاً كَبِيراً . » يعنى فرزندانان را از ترس فقر، نکشيد، ما آن ها و شما را رزق مى دهيم و اين کار شما انحرافى بزرگ است . اين آيه فوق العاده روشنگر است تا انسان ها بدانند اگر متوجه مسئله رزق مقدر نباشند تا کجاها به انحراف کشيده مى شوند، به طوری که نه تنها تمام عمر خود را در راه کسب رزق از بين مى برند، بلکه در حد کشتن کودکان بی گناه جلو مى روند.

فکر نکنيد قتل اين کودک باعث مى شود یک نان خور از خانواده کم شود، اصلاً بنا نبوده نان خوردن اين کودک يا اين همسر به دست شما باشد، خداوند خودش خلقشان کرده، خودش هم رزقشان را مى دهد، منتها ممکن است از طريق شما آن رزق را به بندگان برساند، حالا اگر تو فکر کردی خودت بايد رزقشان را بدهی و احساس سنگینی بر دوش خود کردی، نگرانی از فقر

گریبان را می‌گیرد، ولی اگر خود را واسطه دیدی و واسطه خوبی برای رساندن رزق به کودکان شدی، به برکت رزقی که از طریق شما برای آن‌ها می‌فرستند، برکات اضافه‌تری هم به شما می‌رسد.

بنابراین روزی بر دو قسم است روزی که برایت مقدر شده و بخواهی و نخواهی به تو خواهد رسید مانند مالی که از طریق ارث و تورم و افزایش قیمت به دست می‌آید. و این بخش از روزی نه به تلاش شما نیاز است و نه با تلاش دیگران از دست تو خواهد رفت. اگر مقدر شده است که به دست شما برسد بدون تردید خواهد رسید. و این مختص روزی نیست که تمام مقدرات این گونه است که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «وَأَنَّ جَمِيعَ الْخَلَائِقِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَصْرِفُوا عَنْكَ شَيْئًا، قَدْ قُدِّرَ لَكَ لَمْ يَسْتَطِيعُوا». یعنی اگر تمام مخلوقات عالم جمع شوند و بخوانند روزی مقدر کسی را از او بگیرند، نخواهند توانست. ولی بخشی از روزی مشروط به تلاش است اگر تلاش نی به آن دست پیدا خواهی کرد و الا حروم خواهی شد. و نصیب هیچ کس هم نخواهد شد. پیامبر مکره اسلام با توجه به این قسم از روزی می‌فرماید: «يَا ابا ذر! لَأُسَبِّقُ بَطِيءًا بِحِطَّةٍ» یا اباذر اینگونه نیست که اگر تو تلاش نکنی دیگری روزی تو را خواهد ربود چون اگر تلاش نکنی اصلاً روزی تو نیست تا دیگری ببرد بلکه او هم روزی خود را برده است.

این که گاهی مغازه دارها و برخی از انسانها می‌گویند اگر من تلاش نکنم دیگران سهم مرا خواهند برد، سخن درستی نیست. اگر تلاش نکنی شما سهمی ندارید تا دیگری ببرد بلکه خودت از روزی محروم می‌شوی و دیگری که تلاش کرده است، به سهم خود خواهد رسید.

روزی از امام جعفر صادق (ع) سؤال کردند: روزگار خود را چگونه سپری می‌فرمایید؟

حضرت (ع) در جواب فرمودند: عمر خویش را بر چهار پایه اساسی سپری می‌نمایم:

می‌دانم آنچه روزی برای من مقدر شده است، به من خواهد رسید و نصیب دیگری نمی‌گردد.

می‌دانم دارای وظایف و مسئولیت‌هایی هستم، که غیر از خودم کسی توان انجام آنها را ندارد.

می‌دانم مرا مرگ درمی‌یابد و ناگهان بدون خبر قبلی مرا می‌رباید؛ پس باید هر لحظه آماده مرگ باشم.

و می‌دانم خدای متعال بر تمام امور و حالات من آگاه و شاهد است و باید مواظب اعمال و حرکات خود باشم.^۲

مراد از روزی

ذکر این نکته لازم است که مراد ما از این روزی، روزی حلال است یعنی روزی حلال این گونه است والا ممکن است کسی تلاش کند و از طریق حرام، مال غیر را از دستش برباید، این اصلاً روزی نیست. گرچه اشاعره با استناد به آیه شریف «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» حرام را نیز رزق حساب می‌کنند ولی عدلیه یعنی معتزله و شیعه معتقدند، مال حرام و لقمه حرام، رزق حساب نمی‌شود. بنابراین، رزق که عبارت است از مال حلال بر دو قسم است. یک قسم بدون تلاش و یک قسم با تلاش به دست انسان می‌رسد. و آن روزی حلالی که به شرط تلاش از آن تو بود، اگر شما تلاش نکردید از آن شما نیست و با تلاش دیگران از آن آنها نیز نخواهد بود.

در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از کفار به دوستانش گفت: امروز می‌خواهم پیامبر را (العیاذ بالله) استهزاء کنم!

دوستانش به او گفتند: تا کنون کسی نتوانسته است، تو چگونه می‌خواهی این کار را بکنی؟!

گفت: یک دانه خرما به دست می‌گیرم و از او سؤال می‌کنم که آیا این دانه ی خرما روزی من هست یا خیر؟ اگر گفت: بله. آن را زیر پا می‌اندازم و له می‌کنم و اگر گفت: نه. آن را می‌خورم.

نزد ایشان رسیدند و او عین سؤال را مطرح کرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ فرمودند: اگر بخوری روزی توست و اگر نخوری نه!

^۲. مستدرک وسائل الشیعه، محدث نوری، ج ۱۲، ص ۱۷۲

۲. « وَلا يُدْرِكُ حَرِيصٌ مَا لَمْ يُقَدَّرْ لَهُ »

نکته دوم آن است که انسان گمان نکند اگر حریصانه تلاش کند و بیش از حد خود را به زحمت بیاندازد، بیش از آن روزی که به شرط تلاش بر وی مقدر شده بود، نصیبش خواهد شد.

امام حسین (ع) می فرماید: « لَيْسَتْ الْعِفَّةُ بِمَانِعَةٍ رِزْقًا وَلا الْحِرْصُ بِجَالِبٍ فَضْلًا وَإِنَّ الرِّزْقَ مَقْسُومٌ وَالأَجَلَ مَحْتَمٌ وَاسْتِعْمَالَ الْحِرْصِ طَالِبُ الْمَأْتَمِ. »^۳ یعنی نه خودداری از حرام و ناپسند، مانع روزی می شود و نه حرص روزی بیشتر می آورد، که روزی تقسیم شده و اجل حتمی است و حرص به سوی گناه می کشد.

حضرت عیسی و مرد حریص

حضرت عیسی علیه السلام به همراهی مردی سیاحت می کرد پس از مدتی راه رفتن گرسنه شدند به دهکده ای رسیدند عیسی (ع) به آن مرد گفت: برو نانی تهیه کن و خود مشغول نماز شد آن مرد رفته سه گرده نان تهیه کرد و بازگشت مقداری صبر کرد تا نماز عیسی پایان پذیرد چون کمی به طول انجامید یک گرده را خورد. عیسی (ع) آمده پرسید گرده سوم چه شد گفت: همین دو گرده بود.

پس از آن مقدار دیگری راه پیموده به دسته آهوئی برخوردند حضرت عیسی (ع) یکی از آنها را پیش خواند آن را ذبح کرده خوردند بعد از خوردن عیسی گفت: قم باذن الله به اجازه خدا حرکت کن آهو حرکت کرد و زنده گردید آن مرد در شگفت شده زبان به کلمه سبحان الله جاری کرد.

عیسی (ع) گفت: ترا سوگند می دهم به حق آن کسی که این نشانه قدرت را برای تو آشکار کرد بگو نان سوم چه شد باز جواب داد دو گرده بیشتر نبود.

دو مرتبه براه افتادند نزدیک دهکده بزرگی رسیدند در آنجا سه خشت طلا افتاده بود رفیق عیسی گفت اینجا ثروت و مال زیادی است آن جناب فرمود: آری یک خشت از تو یکی از من خشت سوم را اختصاص می دهم به کسی که نان سوم را برداشته است.

مرد حریص گفت: من نان سوم را خوردم، عیسی از او جدا گردیده گفت: هر سه خشت مال تو باشد.

آن مرد کنار خشتهای نشسته به فکر برداشتن و بردن آنها بود، سه نفر از آنجا عبور نمودند او را با سه خشت طلا دیدند. همسفر عیسی (ع) را کشته و طلاها را برداشتند. چون گرسنه بودند قرار بر این گذاشتند یکی از آن سه نفر از دهکده ی مجاور نانی تهیه کند تا بخورند شخصی که برای نان آوردن رفت با خود گفت: نانها را مسموم کنم تا آن دو پس از خوردن بمیرند، دو نفر دیگر نیز با هم توافق کردند که رفیق خود را پس از برگشتن بکشند.

هنگامیکه نان را آورد آن دو نفر او را کشته و خود با خاطری آسوده بخوردن نانها مشغول شدند چیزی نگذشت که آنها هم به رفیق خود ملحق گشتند. حضرت عیسی در مراجعت چهار نفر را بر سر همان سه خشت مرده دید گفت: « هَكَذَا تَفْعَلُ الدُّنْيَا بِأَهْلِهَا » اینست رفتار دنیا با دوستداران خود.

۳. « مَنْ أُعْطِيَ خَيْرًا فَاللَّهُ أَعْطَاهُ »

اگر به کسی خیری برسد، این را خدا به او داده است، اگر خدا اراده نکرده بود، این خیر به او نمی رسید. کسی با تلاش خود ثروتی بدست آورد، گرچه خودش زحمت کشیده ولی عنایت خدا بوده است. خدای متعال به وی صحت بدن داد و زمینه کسب ثروت را فراهم کرد. کسی که با تلاش خود صاحب علمی می شود گرچه زحمت کشیده ولی خدای متعال به وی عنایت داشته است.

۴. « وَ مِنْ وَقِي شَرًّا فَاللَّهُ وَقَاهُ »

اگر کسی از شرّی حفظ شود، خدا او را حفظ کرده است، نه اینکه خودش توانسته باشد خودش را حفظ کند.

اگر شری به تو رسیده است از ناحیه خودت بوده است. چرا که خدای متعال اهل شر نیست.

۳. أعلام الدین فی صفات المؤمنین ؛ ص ۴۲۸

مرد فقیری بود که همسرش کره می ساخت و او آنرا به یکی از بقالی های شهر می فروخت، آن زن کره ها را به صورت دایره های یک کیلویی می ساخت. مرد آنرا به یکی از بقالی های شهر می فروخت و در مقابل مایحتاج خانه را می خرید. روزی مرد بقال به اندازه کره ها شک کرد و تصمیم گرفت آنها را وزن کند. هنگامی که آنها را وزن کرد، اندازه هر کره ۹۰۰ گرم بود. او از مرد فقیر عصبانی شد و روز بعد به مرد فقیر گفت: دیگر از تو کره نمی خرم، تو کره را به عنوان یک کیلو به من می فروختی در حالی که وزن آن ۹۰۰ گرم است. مرد فقیر ناراحت شد و سرش را پایین انداخت و گفت: ما ترازویی نداریم و یک کیلو شکر از شما خریدیم و آن یک کیلو شکر را به عنوان وزنه قرار می دادیم. یقین داشته باش که به اندازه خودت برای تو اندازه می گیریم..!

خطبه دوّم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون ولا يحصى نعماته العادون ولا يؤدّي حقه المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم ولا يناله غوص الفطن ثم الصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين الذي سمى في السماء باحمد وفي الارضين بابي القاسم محمد اللهم صل على علي اميرالمومنين وعلى فلطمه سيده النساء العالمين وعلى الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وعلى علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن علي وعلى بن محمد والحسن بن علي والحججه القايم المنتظر عجل الله تعالى فرجه وجعلنا من اعوانه وانصاره والمستشهادين بين يديه اسغفرالله لي ولكم من جميع الذنوب والآثام واتوب اليه

ولادت حضرت علي (ع)

۱۳ رجب سالروز ولادت مولای متقیان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. ولادت آن حضرت خدمت شما دوستان آنحضرت تبریک عرض می کنم. عمق و گستره شخصیت حضرت امیر (ع) آنقدر وسیع و عنیق است که تبیین همه جانبه آن از هیچ انسان معمولی ممکن نیست و حتی تبیین گوشه ای از فضائل آن بسیار سخت است. شخصیتی که پیامبر اعظم (ص)، برحسب احادیث معتبر و مشهور بین المسلمین، آن حضرت، را با حق و با قرآن، و حق و قرآن را با او و لازم الاتصال و غیرقابل جدایی معرفی نموده و فرموده باشد: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتْ الْبَنَاتُ فِي ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ الْيَوْمَ فِيكَ مَقَالٌ لَأَتَمَّرَ بِمَلَأَ مِنْ أَلْسِنٍ لِيُعْرَفَ بِحَقِّهِ الْقَدْرُ الَّذِي كُنْتُمْ كُنْتُمْ» در بعد حکومت وقتی مردم به سراغش می روند با صدای رسا می فرماید من برای احقاق حق و ابطال باطل این مسئولیت را می پذیرم. وقتی بعضی از اطرافیان می گویند که معاویه با بذل و بخشش مردم را به دور خود جمع کرده است شما نیز بذل و بخشش کنید تا اطراف شما را نیز بگیرند می فرماید: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فَيَمُنَ وَلَيْتَ عَلَيْهِ وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرًا وَمَا أَمْ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ لَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ لِلَّهِ»^۴ یعنی "آیا مرا فرمان می دهید که یاری و حمایت را به جور و ستم بخواهم، نسبت به افرادی که بر آنها حکومت داده شده ام؟ به خدا قسم! هیچ گاه دنبال این کار نمی روم، تا انتهای روزگار و تا زمانی که ستاره ای در آسمان قصد ستاره دیگری کند. اگر مال از آن من بود، آن را به طور مساوی تقسیم می کردم و حال آنکه این مال، مال خداست."^۵ وقتی آمد کوفه به مردم کوفه فرمودند من با این ابر شتر و یک نفر غلام آمده ام اگر دیدید هنگام برگشتن بیش از این دارم بدانید که من خائن هستم.

او در حفظ بیت المال قدر دقیق بود که خودش فرمودند: «وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُ عَقِيلًا وَقَدْ أُمْلِقَ حَتَّى اسْتَمَاحَنِي مِنْ بَرَكْمٍ صَاعًا وَرَأَيْتُ صَبِيَانَهُ شُعْتَ الْأَلْوَانِ مِنْ فَقْرِهِمْ كَأَنَّمَا سَوَّدَتْ وَجُوهُهُمْ بِالْعَطِيمِ»^۵ یعنی "عقیل را دیدم که بشدت فقیر شده بود و از من می خواست که یک من گندم شما را به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی موهایشان ژولیده و رنگشان بر اثر فقر تغییر یافته

^۴ - نهج البلاغه، ج ۱۲۶، ص ۱۸۳، الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۱

^۵ - نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴ - بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۶۲

و مثل اینکه صورتشان با نیل رنگ شده بود. "وقتی همین برخورد حضرت با برادرش عقیل را معاویه شنید گفت: «هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ عَقِمَتِ النِّسَاءُ أَنْ يَلِدْنَ مِثْلَهُ» افسوس، افسوس، دیگر زنان نمی توانند فرزندی مثل علی را به دنیا تحویل دهند!» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۲۵۳ و ۲۵۴)

البته این بسیار سخت است که انسان خودش از بیت المال نخور به هیچ کس بناحق ندهد و تبعیض قائل نشود و در تمام کارها، عدالت را محور قرار دهد.

در زندگی حضرت امیر یک درس بسیار بزرگ وجود دارد و آن این است که اگر مردم اصلاح نشوند خصوصاً اگر خواص اصلاح نشوند حاکم اسلامی اگر مثل حضرت علی (ع) هم باشد اداره کشو بسیار سخت خواهد بود.

اعتکاف

روز ۱۳، ۱۴ و ۱۵ روز اعتکاف است و مستحب است متدینین این سه روز در مسجدها اعتکاف کنند. اعتکا ریشه قرآنی دارد و در احادیث فراوان به آن سفارش شده است. البته اعتکاف در ماه مبارک رمضان بسیار سفارش شده است.

روز جمهوری اسلامی

۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی است. این نام و عنوان جمهوری اسلامی رمز پیروزی و رمز بقای کشور است و باید این دو عنوان را حفظ کرد. عده ای تلاش می کنند به بهانه جمهوریت اسلام را بکنند و ای ن گروه از آزادی سخن می گویند و در عمل بی بند باری را تعقیب می کنند. این گروه سفرهای زیارتی را به بهانه های واهی زیر سوال می برند ولی خودشان در خیابانهای ترکیه به ولگردی مشغولند. این گروه به بهانه آزادی با حجاب زنان مبارزه می کنند و کرامت زن را از دست آ «ها می گیرند و ملعبه مردان قرار می دهند. و گروه دیگری به بهانه اسلام، برای مردم آنجانان اهمیتی قائل نمی شوند و این گروه نیز اسلام را مساوی با قدرت قهریه می دانند.

باید بدانیم و متوجه شویم که ما مسلمانیم و مسلمانان جمع شوند حکومت اسلامی را برای خود برگزیده اند. حکومت اسلام یعنی اجرای احکام اسلامی ما آزاد نیستیم ناممان مسلمان باشد اما به مسلمان هیچ شباهتی نداشته باشیم. ناممان مسلمان باشد ولی سگ را رفیق خود قرار دهیم و در حالی که عده ای از مردم از فقر می نالند ما به جای کمک به انسانهای نیازمند به سگ کمک کنیم و با هزینه سنگی سگ در خانه نگه داریم. ما نمی شود ناممان مسلمان باشد ولی زنانمان با لباس آنچنانی و تبرج و خودنمایی خود را برای نامحرمان نشان دهند. ما مسلمان باشیم ولی به احکام اسلامی بی تفاوت باشیم. اسلام بدون جمهوریت، در عصر معاصر ماندنی نیست و جمهوریت بدون اسلام، حکومت منهای دین است که خلاف اهداف انبیاء و خدای متعال است.

وفات حضرت زینب

۱۵ رجب سالروز وفات حضرت زینب (س) است. وفات این بانوی بزرگ اسلام را خدمت شما عزیزان تسلیت می گویم. آن حضرت پس از شهادت امام حسین (ع) بیش از یک سال و نیم زندگی نکرد و در ۱۵ رجب سال ۶۲ هجری قمری، در ۵۶ سالگی از دنیا رحلت فرمود.

شما تاریخ را ورق بزنید و ببینید کدام مکتبی غیر از اسلام توانسته است زنی به منزلت و مقام زینب تربیت کرده است. او در سخت ترین زمان که تحملش برای هیچ انسانی عادی میسر نیست با قدرت تمام می گوید ما رایت الا جمیلا، با قدرت تمام در کوفه و شام در میان دشمنان عنود و نامرد بلند می شود و با صدای رسا خطبه می خواند و سخنرانی می کند و علی رغم آن که اسیر است و برادرانش و فرزنداناش شهید شده اند و خودش خسته است ولی با همان جسم خسته و روح زجر کشیده نه تنها کوفه بلکه شام، مرکز حکومت بنی امیه را فتح می کند.

باید تاسف بخوریم که عرضه نداشتیم الگوهای خودمان را بهتر به مردم بشناسانیم و بهتر بشناسیم. خدای متعال فاطمه و زینب را بر ما الگو قرار داده است ولی ما ارادی را به مردم معرفی می کنیم که فقط بازیگر خوب است. خدای متعال می فرماید معیار تقواست و ما نه تنها تقوا را معیار قرار نمی دهیم بلکه افرادی که در تمام زندگیش بی تقوایی موج می زند به جوانان الگو معرفی می کنیم.